

سیر تاریخی بناهای آرامگاهی و بقاء متبرکه در ایران دوره اسلامی (مطالعه موردی بقاء متبرکه استان کهگیلویه و بویراحمد)

مهدی عابدی^۱ و غلامحسین دژند^۲

تاریخ دریافت: ۱۵ / ۰۷ / ۱۳۹۷

تاریخ پذیرش: ۱۵ / ۰۸ / ۱۳۹۷

چکیده

بقاع متبرکه و مراقد امامزادگان از جمله نهادهای مؤثر اجتماعی و فرهنگی هستند که نه تنها در آموزه‌های دین اسلام و سرزمین‌های اسلامی بلکه در سایر ادیان و ملل نیز مورد توجه و احترامند. در این میان، منتسبان و بازماندگان خاندان رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، بر اساس ادله متعدد نقلی و عقلی، از مصادیق شعائر الهی و اسباب تقرب به خدا دانسته شده‌اند. امامزادگان بیش‌ترین پراکندگی و توزیع را در جغرافیای تاریخی و دینی جهان اسلام و تشیع دارند، به نحوی که در بسیاری از مواقع، جوامع شیعه به نام این اماکن شناخته می‌شوند. از این رو، توجه به شناخت و معرفی بقاع متبرکه‌ی این امامزادگان به منظور حفظ و غنای فرهنگ شیعه ضروری به نظر می‌رسد. در این مقاله به صورت توصیفی و دانش‌نامه‌ای، بقاع متبرکه و اماکن مذهبی تاریخی استان کهگیلویه و بویراحمد بویژه آرامگاه امام زادگان، با استفاده از روش کتابخانه‌ای و نقشه‌های جغرافیایی، اسناد مکتوب، شجره‌نامه و مصاحبه‌های حضوری مورد بررسی و شناسایی قرار گرفته است.

کلید واژه‌ها: بناهای تاریخی، امامزاده، بقاع متبرکه، تشیع، کهگیلویه و بویراحمد.

استناد فارسی (شیوه APA، ویرایش ششم، ۲۰۱۰): عابدی، مهدی و غلامحسین دژند (۱۳۹۷، زمستان). «سیر تاریخی بناهای آرامگاهی و بقاء متبرکه در ایران دوره اسلامی (مطالعه موردی بقاء متبرکه استان کهگیلویه و بویراحمد)». *پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه*، سال اول، شماره چهارم، صص ۵۱۲-۴۹۳.

^۱. استادیار بخش تاریخ دانشگاه پیام نور تهران جنوب؛ m.ebadi@pnu.ac.ir

^۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته تاریخ.

۱. مقدمه

باطهور اسلام در ایران و پذیرش دین اسلام و ارتباط ایرانیان با امامان معصوم علیهم السلام و امام-زادگان و رفت و آمد و معاشرت و سکونت آن‌ها در این سرزمین برکات بسیاری به‌همراه داشت. عموماً شکل‌گیری بسیاری از محلات و شهرها به‌واسطه‌ی وجود مکان‌های مذهبی و ازجمله بقاع متبرکه و امامزادگان بوده است. مردم ایران نسبت به آنان احترام ویژه‌ای قائل بوده و آن‌ها را مظهر لطف خداوند می‌دانستند و بسیاری از حاجات خود را از آن‌ها طلب می‌کردند. به‌همین منظور و هم-چنین برای بزرگداشت آنان، بناهایی را بر روی مقابر آن‌ها می‌ساختند. و حتی در برخی موارد محل قدم آن‌ها را به‌عنوان یادگار و تحت عنوان قدم‌گاه، مورد احترام قرار داده و به‌عنوان اماکن مقدس از آن‌ها حفاظت و حراست می‌کردند.

ایران یکی از کشورهایی است که دارای فرهنگی غنی و مبتنی بر اسلام است. وجود ابنیه تاریخی با کاربردهای گوناگون مذهبی، فرهنگی، خدماتی، آموزشی و... نشان دهنده‌ی وجود تمدنی عظیم در این سرزمین است. ایران داری بیش از ۱۷۰۰۰ بنای تاریخی است که بخش عظیمی از آن را بناهای مذهبی باارزش مانند مساجد، بقاع متبرکه و امامزادگان تشکیل می‌دهند. بر اساس آمارها بیش از ۸۰۰۰ بقعه متبرکه منسوب به خاندان اهل بیت علیهم السلام به ثبت رسیده که در استان‌های مختلف کشور پراکنده‌اند. این ابنیه که به آرامگاه بزرگان دینی و یا امامزاده مشهور هستند، روزگاری منشاء تشکیل روستاها، محلات و شهرها بوده‌اند و اکنون به‌عنوان جنبه‌ای از میراث فرهنگی کشور، نیازمند توجه ویژه، حفاظت و نگهداری هستند.

استان کهگیلویه و بویراحمد با داشتن تعداد کثیری بقاع متبرکه و بناهای تاریخی - مذهبی به علت صعب‌العبور و کوهستانی بودن مناطق آن مورد بی‌مهری و بی‌توجهی پژوهشگران حوزه تاریخ و مطالعات اسلامی واقع شده است. و از طرفی در سال‌های گذشته مردم بدلیل عدم شناخت و اهمیت این بناهای مذهبی، برخی از بقاع را مورد تخریب قرار داده و مصالح آن‌ها را مورد استفاده قرار داده‌اند. و هم‌چنین به‌خاطر بی‌توجهی برخی مسئولین نهادهای ذیربط در سال‌های گذشته، افراد سودجو و منفعت طلب به انگیزه‌ی بدست آوردن گنج و اشیاء قیمتی، اقدام به حفاری و تخریب این بناها و اماکن متبرکه نموده‌اند و اشیاء ذی قیمتی را نیز به تاراج برده‌اند.

بر این اساس و به‌خاطر اهمیت موضوع، علیرغم مشکلاتی هم‌چون کمبود منابع معتبر در زمینه بناهای مذهبی استان، صعب‌العبور بودن مناطق مختلف استان، تخریب بسیاری از بناها، شرایط نامناسب آب و هوایی و هم‌چنین تعداد بسیار زیاد بناها و بقاع متبرکه استان، تلاش شد تا در این مقاله، از بین کلیه بناها، اماکنی که دارای سابقه‌ی تاریخی و فرهنگی بیش‌تر و اعتبار بالاتری از جهت شجره نامه و اسناد بودند، بررسی شود.

بناهای تاریخی مذهبی درگسترش مذاهب و ادیان آسمانی نقش مؤثر و تعیین کننده‌ای داشته است. در آیین مقدس اسلام و در مذهب جعفری (تشیع) علاوه بر تأکیدات مکرر قرآن کریم، روایات متعدد و متواتری از ائمه اطهار علیهم السلام به ما رسیده است که نشان دهنده جایگاه این بناها در مذهب تشیع است. وجود آداب زیارات متعدد و متنوع در کتب و منابع معتبر شیعی و بیان فضایل زیارات این مشاهد شریف و اماکن و بقاع متبرکه، همگی بر نقش پررنگ و تأثیرگذار این بناها در تعمیق باورهای مذهبی در تشیع دارد (موسوی نژاد، ۸۴).

استان کهگیلویه و بویراحمد با مساحت ۱۶۲۶۴ کیلومتر مربع در جنوب غربی ایران قرار دارد. از شمال به استان‌های اصفهان و چهارمحال و بختیاری، از شرق با فارس و اصفهان، از جنوب با بوشهر و از غرب با خوزستان همسایه است. این استان ابتدا قسمتی از منطقه انشان تمدن ایلامی بوده و در دوره ساسانی با عنوان به آمد کواد، ارگان و قسمت کوهستانی آن به نام زم زمیگان معروف بود (همان اثر، ۸۴).

با ورود اسلام، این منطقه ابتدا به ارجان، زم گیلویه و کهگیلویه و از دوره تیموری با از بین رفتن اتابکان لر بزرگ، سراسر منطقه به کهگیلویه معروف شد. در دوره پایانی سلسله صفویه این منطقه به نام کهگیلویه و بهبهان معروف است. در سال ۱۳۴۲ خورشیدی به دلیل مسائل سیاسی به کهگیلویه و بویراحمد تغییر نام یافت (برقک، ۱۳۹۴). در این استان بیش از ۲۳۰۰ اثر تاریخی وجود دارد که ۷۲۰ اثر آن ثبت ملی گردیده است. از این میان ۳۸۰ بنای تاریخی مذهبی نیز تاکنون در استان شناسایی و ثبت شده است (وب سایت اداره اوقاف استان، ۱۳۹۱).

۲. سیر تاریخی بناهای آرامگاهی در ایران دوره اسلامی

از سده اول تا سده سوم هجری هیچ نوع بنای آرامگاهی که بتوان تاریخ معینی را به آن نسبت داد به دست نیامده است، از سده چهارم هجری به بعد، شاهد ظهور و گسترش بناهای آرامگاهی در نقاط مختلف ایران هستیم، بسیاری از آرامگاه‌ها به امام زاده‌هایی تعلق دارند که توسط عمال عباسی به شهادت رسیده‌اند که این امر فرضیه عده‌ای از محققان را که انگیزه جهاد و شهادت با کفار را در ارتباط با ساخت آرامگاه مطرح نموده‌اند تأیید می‌نماید (سجادی، ۱۳۹۱).

با ظهور اسلام سنت تدفین نیز دچار تحول اساسی گردید. مخالفت صریح پیامبر صلی الله علیه و آله با ساخت آرامگاه از دلایل اصلی این امر بوده است (هیلن براند، ۱۳۸۷: ۳۲۹). با این حال تدفین پیامبر صلی الله علیه و آله در داخل خانه‌اش که در جوار مسجد النبی قرار داشت، هر چند بدون هدف و انگیزه خاصی صورت گرفت ولی با این حال دارای چهار دیواری و سقف بود و در زمان ولید بن یزید^۱ محل

^۱. ولید بن یزید، از خلفای دوره عباسی، متوفی ۱۲۵ هجری قمری

دفن پیامبر صلی الله علیه و آله را مجدداً با ساختمانی مشخص بازسازی و آراسته نمودند (همان، ۲۵۳). غروی اولین آرامگاه اسلامی را تربت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و آغاز آرامگاه‌سازی ایرانی را تدفین هارون در خراسان که بعدها در سال ۱۹۳ تا ۲۰۲ ه.ق محل دفن امام رضا علیه السلام گردید می‌داند (غروی، ۱۳۷۶ : ۹۹). با این وجود بناهایی را دال بر تأثیر معماری قبل از اسلام بر روند آرامگاه‌سازی در قرون بعدی بیان می‌کند. او مقبره‌ی امیر اسماعیل سامانی را برگرفته از چهارطاقی‌های ساسانی و گنبد قابوس را با توجه به استفاده از تاریخ یزدگردی همراه با تقویم اسلامی در کتیبه‌ی بنا و هم‌چنین با توجه به روایت مشخصی که از آن به‌جای مانده است، تحت تأثیر معماری قبل از اسلام می‌داند (همان، ۱۰۰). قبر حضرت فاطمه سلام الله علیها و قبر حضرت علی علیه السلام نیز به دلایل سیاسی، مخفی ماندند و برای خلیفه اول و دوم و سوم نیز مقبره‌ای ساخته نشد. برخی از محققان، نخستین آرامگاه اسلامی را قبه الصلیبه، آرامگاه مادر خلیفه المنتصر عباسی در سامرا منتسب به نیمه دوم قرن دوم هجری معرفی می‌کنند (هیلن براند، ۱۳۸۷ : ۵۴).

بنا بر تحقیقات به عمل آمده، شهادت امام حسین علیه السلام و اصرار شیعیان بر زیارت قبر آن حضرت و بزرگداشت آن حضرت، موجب ایجاد اولین بنای آرامگاهی شده است. البته بایستی چند نکته مهم در این رابطه را مد نظر قرار داد. یکی واقع بودن قبور شهدا در بیابان کربلا بود که لازم بود بنای مشخصی داشته باشد و از طرفی زوار به سرپناهی در مقابل آفتاب سوزان نیاز داشتند. دوم اینکه احادیث متواتری که در خصوص ثواب زیارت قبر آن حضرت و شهادی کربلا وجود داشت، سالانه خیل عظیمی از شیعیان را روانه‌ی کربلا می‌کرد و از این‌ها گذشته، کربلا به‌عنوان کانونی برای مبارزه بر علیه حکومت امویان درآمده بود و در این مکان بیعت‌ها و پیمان‌های پیروان و منتقمان خون آن حضرت بسته می‌شد.

پس از شهادت امام حسین علیه السلام طایفه‌ای از بنی اسد، پیکر آن امام و یارانش را در همان جایی که محل شهادت آنان بود، به خاک سپردند. برآمدگی‌هایی از خاک که نشان قبرهای مطهر شهدای کربلا بود، نخستین نشانی است که بر فراز قبور نهاده شد (ابن منظور، ۱۴۱۴ : ۴۳۰).

پس از آن، سلیمان بن سرد خزاعی و گروهش که بعدها به توابین مشهور شدند به آن‌جا آمده و جایگاه مخصوصی برای مزار درست کردند. اما نخستین بقعه و آرامگاهی که بر فراز آن برآمدگی‌ها ساخته شد، به دست مختار بن ابی عبیده ثقفی بود. مختار در سال (۵۶۵ ه.ق) بر مزار آن شهیدان حاضر شد و شالوده نخستین بقعه و آرامگاه را بر فراز آن قبرها بنا نهاد و روی آن‌ها یک دیوار و سقف آجری با روکش گچ گذارد. در کنار آن نیز مسجدی ایجاد کرد که دو در به سمت مشرق و مغرب داشت (امین، ۱۴۰۷ : ۵۰۲). در آداب زیارت قبر امام حسین علیه السلام روایتی نقل شده است که:

«چون آهنگ زیارت قبر حسین علیه السلام را در کربلا داشتی در بیرون بایست و در قبر بنگر سپس به روضه وارد شو و در برابر آرامگاه در بالاسر بایست و آن‌گاه از دری که در پایین پای علی بن الحسین علیه السلام است بیرون شو و به‌سوی شهیدان حرکت کن سپس به راه خود ادامه

ده تا به شهادت گاه ابوالفضل عباس بن علی برسی، آن جا بر در سرپوشیده بایست و سلام ده»
(شیخ مفید، ۱۳۷۷: ۶۵).

از این سخن امام صادق علیه السلام که در آغاز عصر عباسی در قید حیات بوده‌اند، می‌توان استنباط نمود بارگاهی وجود داشته که آن حضرت به آن اشاره کرده است.

نخستین بقعه و بنایی که برفراز قبر امام علی علیه السلام استوار شد، به سال ۱۶۵ هـ.ق در دوران خلافت هارون الرشید بود که به زیارت مرقد آن امام مشرف شد و معجزه‌هایی از این مکان دید. وی دستور داد تا ضریحی از سنگ سفید برای قبر ساختند و بنایی از آجر سفید و گنبدی از گل سرخ بر فراز آن استوار کرد و دیواری با چهار درب در جوار آن بنا نهادند از آن به بعد، در اطراف مرقد، خانه‌هایی ساخته شد. نجف توسعه پیدا کرد و شیعیان و علویان دسته دسته در جوار آن ساکن شدند (آل محبوبه، ۱۴۰۶: ۲۱). متوکل عباسی، قبر امام علی علیه السلام را چون قبر امام حسین علیه السلام ویران کرد. عده‌ای از درباریان، به فرماندهی منتصر، فرزند متوکل، بر او شوریدند و او را به قتل رساندند. منتصر بنای حرم را در (۲۴۷ هـ.ق) بازسازی و بنای با عظمتی، بر فراز قبر مطهر استوار کرد و مسجد و صحن و مناره‌ای را نیز برای راهنمایی زائران و نشان دادن آن مکان مقدس بنا نمود و مردم را به زیارت شهیدان کربلا تشویق کرد (مسعودی، ۱۳۴۷: ج ۲ / ۵۴۱ و ۵۴۲).

پس از آن، ابو الهیجاء عبدالله بن حمدان، حاکم شیعی موصول، در ۲۸۳ هـ.ق گنبد بزرگ و با عظمتی بر فراز قبر ساخت و حرم را فرش کرد (میلانی، ۱۳۷۷: ۲۹). در عصر پادشاهان شیعی آل بویه، مرقد مطهر امام علی علیه السلام چون سایر مراقد و مزارها در عراق، توسط عضدالدوله بازسازی و توسعه یافت و عظیم‌ترین بنا بر آن استوار شد (آل محبوبه، ۱۴۰۶: ۴۴). در آغاز عصر عباسی، به هنگام خلافت سفاح، کنار مرقد امام حسین علیه السلام بنای سرپوشیده دیگری ساخته شد. در دوران مهدی عباسی به سال ۱۵۸ هـ.ق، بنای سرپوشیده قبلی از نو ساخته شد و مادر مهدی برای خادمان قبر سید الشهداء حقوق ماهانه‌ای مقرر کرد (طبری، ۱۳۵۴: ج ۳ / ۷۵۲).

روند تخریب و بازسازی بارگاه امام حسین علیه السلام بارها توسط خلفای عباسی صورت گرفته است. بارگاه در دوران هارون الرشید تخریب شد (مدرس بستان آبادی، ۱۳۸۰: ۱۹۰). در زمان مأمون فرزند هارون، در ۱۹۳ قمری بنایی زیبا بر قبر آن حضرت برپا کرد که تا عصر متوکل هم‌چنان باقی بود. متوکل عباسی در ۲۳۶ قمری، قبر امام، خانه‌ها و سراهای پیرامون آن را به کلی ویران کرد (طبری، ۱۳۵۴: ج ۷ / ۳۶۵). منتصر که پس از قتل پدرش متوکل به خلافت رسید، بنای حرم را در ۲۴۷ قمری بازسازی و بنای با عظمتی، بر فراز قبر مطهر استوار ساخت (مسعودی، ۱۳۴۷: ج ۲ / ۵۴۱ و ۵۴۲). این بنا تا عصر علویان طبرستان باقی بود و در ۲۷۳ قمری سقف آن فرو ریخت و رو به ویرانی نهاد. ده سال بعد، در ۲۸۳ قمری، محمد بن زید علوی ملقب به داعی صغیر و از حاکمان شیعی طبرستان، این بقعه و بنا را مرمت کرد (شهیدی صالحی، ۱۳۸۰: ۷۷-۷۴).

در دوران آل بویه، به‌ویژه عصر حکومت عضدالدوله دیلمی، توجه و اهتمام زیادی به مرقد امامان و

عبات عالیات شد. این پادشاهان شیعی تلاش گسترده‌ای در توسعه، بازسازی و تزئین مقبره‌ها و زیارت‌گاه‌های امامان علیهم‌السلام انجام دادند. عضد الدوله در ۳۷۱ ه.ق. بنا و حرم بزرگ و باشکوهی برای امام حسین علیه‌السلام ساخت و قسمت‌های زیادی از بنا را تجدید کرد. برای نخستین بار، در هر چهار سمت حرم، رواق‌ها و شبستان‌هایی ساخت و قبه و رواق‌ها را به زیبایی با هزینه‌های فراوان تزئین کرد (قاعدان، ۱۳۸۲: ۱۰۶؛ نیز نک ابن اثیر، ۱۳۵۱: ذیل حوادث سال ۳۷۱ ق).

۳. خاستگاه تاریخی و ریشه یابی ساخت بناهای آرامگاهی در ایران

از سده چهارم هجری به بعد، شاهد ظهور و گسترش بناهای آرامگاهی در نقاط مختلف ایران هستیم، به گونه‌ای که پس از مسجد، مهم‌ترین و متداول‌ترین نوع بنا در معماری اسلامی ایران را تشکیل می‌دهد (هیلن براند، ۱۳۸۳: ۲۷۲). آرامگاه‌سازی در ایران را نمی‌توان دقیقاً شناخت و ارائه نمود (غروی، ۱۳۷۶: ۹۹). از سده اول تا سده سوم هجری هیچ نوع بنای آرامگاهی در ایران که بتوان تاریخ معینی را به آن نسبت داد، باقی نمانده است. به عقیده‌ی برخی از پژوهش‌گران، آرامگاه‌های مطهر امام رضا علیه‌السلام، حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها، حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام و آرامگاه آستانه اشرفیه (گیلان) نخستین نمونه‌های آرامگاهی ایرانی را ارائه می‌نماید. شاید بتوان تدفین هارون الرشید در خراسان را جزء نمونه‌های آغازین سنت آرامگاه‌سازی در ایران دوره‌ی اسلامی قلمداد نمود و زیربنای کوچکی برای تکوین بنای آرامگاه امام رضا علیه‌السلام به شمار آورد. لیکن بیش‌تر محققان آرامگاه امیر اسماعیل سامانی در بخارا را نخستین بنای واقعی آرامگاهی در گستره فرهنگ ایرانی به شمار می‌آورند (همان اثر، ۱۰۷).

به‌طور کلی دو عامل عمده را می‌توان در ساخت بناهای آرامگاهی ایران مؤثر دانست، یکی مهاجرت امام‌زادگان به ایران و دیگری گسترش تصوف و عرفان اسلامی. برخی از پژوهش‌گران خاستگاه آرامگاه‌های ایرانی را مکانی غیر از ایران می‌دانند و آن‌هم به دلیل منع دفن مردگان در دین زرتشت بوده است. و بر این اعتقادند که آرامگاه‌های ایران بر اساس آرامگاه‌های سوریه قبل از اسلام و آرامگاه‌های رومی واقع در آن محل‌ها ساخته شده‌اند و نمونه‌ای از آن را قبه‌الصخره می‌دانند و یا بسیاری از آرامگاه‌ها را تحت تأثیر رسوم قبایل ترک‌نژاد می‌پندارند مانند برج‌های خرقان که به تنهایی در بیابانی بزرگ بنا شده‌اند (هیلن براند، ۱۳۸۳: ۲۵۵).

عده‌ی از محققان منبع الهام دیگری را در ساخت آرامگاه با انگیزه جهاد و شهادت با کفار مطرح نموده‌اند (همان اثر، ۷۳) که می‌توانسته توجیه مناسبی برای ایجاد آرامگاه باشد. با این حال انتشار وسیع این نوع آرامگاه ایرانی در آسیای مرکزی، نیز می‌تواند برای تجلیل از شهدایی باشد که برای گسترش اسلام جان باخته‌اند (نیستانی، ۱۳۸۳: ۹۶). با این حال، دلایل پیدایش و شکل‌گیری مشاهد و آرامگاه‌ها در ایران را می‌توان هم به وقایع

تاریخی صدر اسلام و مهاجرت امامزادگان به سرزمین‌های شرقی اسلامی و هم‌چنین به عشق و علاقه به امامان شیعه و خاندان آنان مرتبط دانست که به‌وسیله‌ی ساخت آرامگاه از آنان تجلیل و تکریم به عمل می‌آمده است. البته باید جنبه‌های سیاسی و مذهبی بزرگ‌داشت ائمه شیعه و خاندان آن‌ها را نیز در نظر گرفت.

بناهای آرامگاهی باقی‌مانده در ایران، عمدتاً بناهای مذهبی هستند. بر اساس آمارهای موجود (سال ۱۳۸۷)، در ایران، حدود ده هزار و ششصد و نود و یک امامزاده وجود دارد (شریفی، ۱۳۹۰: ۱). وجود این تعداد کثیر امامزاده در ایران، گویای موج گسترده مهاجرت‌هایی است که در قرن اولیه اسلامی به‌سوی ایران صورت گرفته است.

مهاجرت امامزادگان به ایران، تحت تأثیر رویدادهای قرون اولیه اسلامی، در چهار دسته صورت گرفته است:

الف- عده‌ای از بنی‌هاشم به‌همراه حضرت رضا علیه السلام به ایران مهاجرت نمودند (شیخ صدوق، ۱۳۶۱: ج ۷/ ۳۷۸). به دنبال مهاجرت حضرت رضا علیه السلام به ایران، کاروان‌های متعددی از امامزادگان به ایران وارد گردید. یکی از این کاروان‌ها به سرپرستی برادر حضرت رضا علیه السلام به نام احمد بن موسی (شاه چراغ) بود که از هفتصد نفر تشکیل می‌شد. کاروان دیگر، کاروان حضرت معصومه سلام الله علیها بود که از چهارصد نفر تشکیل می‌گردید (شریف قرشی، ۱۳۷۲).

ب- بسیاری از امامزادگان در برابر خلفای اموی و عباسی خروج نموده، به ناچار به سمت مناطق کوهستانی و یا دور دست و امن ایران متواری شده و در گوشه و کنار ایران پراکنده شدند (ابن اثیر، ۱۳۵۱: ۳۰۷، نیز نک زنگنه، ۱۳۷۳: ۱۸۶-۱۸۰).

ج- در اثر فشار و کشتار بنی‌هاشم توسط عمال بنی امیه و بنی عباس، بسیاری از امامزادگان جلای وطن نموده، به‌طرف ایران مهاجرت کردند و به دولت‌ها و حکومت‌های محلی شیعی ایران مخصوصاً رویان و طبرستان پناه آوردند (زنگنه، ۱۳۷۳: ۱۹۶-۱۸۰).

د- بسیاری از امامزادگان با هدف ترویج دین و مذهب از طرف ائمه به ایران مأمور شده‌اند. که در این رابطه علی ابن مهزیار در خوزستان و بابا پیر محمد در ایلام شناخته شده‌اند.

از مجموع بناهای آرامگاهی شناسایی شده در استان کهگیلویه و بویراحمد، تعداد ۹۳ بنا موسوم به نام امامزاده هستند که با آرامگاه بانوان مقدسه (امامزادگانی که به نام بانو و بی بی و... موسوم هستند) این تعداد به حدود دو سوم بناهای آرامگاهی کهگیلویه و بویراحمد می‌رسد.

۴. تاریخ و جغرافیای استان کهگیلویه و بویراحمد

استان کهگیلویه و بویراحمد، منطقه‌ای ناهموار و کوهستانی، پوشیده از تپه‌ماهورها و ارتفاعات فراوان، با وسعتی معادل ۱۶۲۶۴ کیلومتر مربع است. این استان در جنوب غربی ایران و در امتداد رشته کوه زاگرس بین ۳۰ درجه و ۹ دقیقه تا ۳۱ درجه و ۲۳ دقیقه عرض شمالی، ۴۹ تا ۵۰ درجه و ۴۲ دقیقه طول شمالی نسبت نصف النهار گرینویچ واقع شده است (سالنامه آماری استان کهگیلویه و بویراحمد، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۰).

استان کهگیلویه و بویراحمد از غرب به خوزستان، از شمال به بختیاری‌ها، از جنوب به بهبهان و مناطقی از دیلم و ممسنی و از شرق به استان اصفهان محدود می‌شود. این سرزمین از قدیمی‌ترین استان‌های ایران بوده که از ۵۰۰۰ الی ۶۰۰۰ سال پیش یکی از کهن‌ترین تمدن‌های بشری در آن پدید آمده است. زمین‌شناسان براین عقیده‌اند که سرزمین فعلی خوزستان که مناطق کهگیلویه و بویراحمد و شهرهای ایذه و بهبهان جزئی از آن بوده، در دوران‌های سوم و چهارم زمین‌شناسی از آب خارج شده است (همان، ۱۳۸۰: ۳۴).

ناحیه کهگیلویه پیش از ظهور اسلام یکی از مناطق پنج گانه فارس به شمار می‌رفت و ناحیه قباد به نام مرکز ارجان نام داشت. چهار ناحیه دیگر عبارت بودند از اردشیر خره، استخر، دارابجرد و شاپورخره. در حمله اسکندر مقدونی به ایران در سال ۳۳۱ قبل از میلاد، آریوبرزن، از فرماندهان دلیر سپاه ایران، در تنگه‌ای در نواحی کهگیلویه راه را بر او بست. علی رقم وارد کردن تلفات بسیار بر سپاه اسکندر، سرانجام خود و سربازانش کشته شدند و اسکندر موفق به فتح تخت جمشید شد (بختیاری، ۱۳۹۲).

پیش از سال ۲۲۶ هجری قمری زم زمیجان (مسکن قبیله زمیجان)، یکی از پنج قبیله بزرگ فارس به اطاعت جیلویه نامی که از کوره استخر به محل آنان رفته بود درآمد. پس از آن این زم، به مناسبت جیلویه و آل جیلویه که بر آن حکومت می‌کرد زم جیلویه خوانده شد و احتمالاً از قرن سوم هجری قمری به بعد قسمتی از کهگیلویه کنونی که زم جیلویه در آن زندگی می‌کرد کوه جیلویه نامیده شده است. کار جیلویه که بر زم زمیجان مسلط شده بود بالا گرفت و رقیب خاندان ابی دلف عجلی شد و معلق ابن عیسی برادر ابی دلف را کشت. اما در آخر در جنگ با ابی دلف کشته شد (همان).

بین سال‌های ۲۲۶ تا ۵۱۱ (ه.ق) منطقه کهگیلویه و بویراحمد بزرگ‌ترین رم از رموم پنجگانه فارس بوده، که آن‌را زنیجان (معرب زمیگان) نیز می‌نامند (استخری، ۱۳۶۸). در شمال ایالت ارجان، در مرز اصفهان، بطور قطع در دوره قبل از اسلام قبیله گیلویه مسکن داشته‌اند (ابن خرداد، ۱۳۷۰).

از سال ۹۳۶ تا ۱۵۳۰ میلادی نواحی ساحلی خلیج به عنوان فرمانداری‌های کوه گیلویه تقسیم شده است (رهر، ۱۳۴۹).

« تل خسرو نام منطقه کوهستانی است که از شرق به منطقه فارس، از مغرب به رامهرمز (خوزستان) و بلوک جانکی و از شمال به لردگان محدود می‌شد، در روزگار پیشین آنرا رم زمیگان می‌نامیده‌اند و در قرن سوم به نام " کوه گیلویه " معروف گردید» (امام شوشتری، تاریخ و جغرافیای خوزستان).

« مناطق زیدون، دورانگه، قالد، منصوریه بهبهان، لیراوی، دشتستان بوشهر، جانکی بختیاری و دشمن زیاری ممسنی از منضمت قبلی کوه گیلویه بوده است» (لیسترنج گای، ۱۳۳۷).

تپه‌های باستانی این استان با توجه به سفال‌های بدست آمده از جمله تپه « ده وه » در شهرستان گچساران، قدمتی برابر، هزاره سوم پیش از میلاد را نشان می‌دهد. این استان در دوره‌ی عیلامی‌ها جزء انزان شرقی بوده است که با آمدن پارس‌ها به این نواحی و قدرت گرفتن شاهان اولیه هخامنشی، خاستگاه تمدن هخامنشی نیز محسوب می‌شود. وجود کوه‌های زیاد و مراتع مناسب، پرورش اسب و احشام و نیز پایه پل‌های هخامنشی در کنار روستای پاتاوه این موضوع را تأیید می‌کند (موسوی نژاد، ۱۳۸۴).

پس از هخامنشیان و با روی کار آمدن دولت سلوکی، این استان که با ولایت پارس یکی بود، جزء اولین شورشیان علیه سلطه سلوکیان هستند، به طوری که در حکومت آنتیوخوسر اول مستقل شد. پس از استقلال برخی نواحی دیگر ایران و روی کار آمدن اشکانیان قدمتی در راستای تشکیل حکومت محلی در این ناحیه که بخشی از نواحی خوزستان، فارس و اصفهان بود، توسط قومی که ایلمایی نامیده می‌شد، برداشته شد. ایلمایی‌ها که در برخی کتب خارجی به «الومایس» مشهور هستند، قومی صاحب تمدن بودند. نقوش برجسته سنگ صولک در شهرستان بهمنی و شهر لیلکک از توابع استان کهگیلویه و بویراحمد نشان دهنده‌ی آن تمدن عظیم است (جزوه معاونت عمرانی استاندار استان کهگیلویه و بویراحمد، ۱۳۷۸).

در قرن هشتم هجری قمری ابن بطوطه از این ناحیه گذشت. حمد الله مستوفی در این ناحیه از جبل جیلویه و بلاد شاپور نام می‌برد. در دوره حکومت صفویه، در سال ۹۹۰ هجری قمری قلندری که شباهت به اسماعیل دوم صفوی داشت، در کهگیلویه خروج کرد و مدتی باعث نا امنی این ناحیه شد. در سال ۱۰۰۵ هجری قمری شاه عباس اول صفوی حکومت کهگیلویه را به الله وردی خان داد. در حمله افاغنه به ایران عشایر کهگیلویه با افغان‌ها بین سال‌های ۱۱۳۶ و ۱۱۳۷ هجری قمری جنگیدند (بختیاری، ۱۳۹۲).

1. Guy le Strang

2. Olamys

در دوره ساسانیان کوه گیلویه و بویراحمد به مرکزیت ارجان جزء ناحیه شاپور بخشی از بلاد فارس بود و آثار فراوانی از دوره ساسانی از جمله قبر شاپور در غرب شهر قدیمی دهدشت باقی مانده است. وجود یک راه باستانی که بیشابور را به شوش و تیسفون متصل می‌کرده نشان از این داشته که این منطقه به لحاظ ارتباطات و همچنین وجود کوه‌ها و مراتع و دشتهای مناسب کشاورزی اهمیت ویژه‌ای داشته است، به طوری که تعداد زیادی از بناهای استان مربوط به این دوره است (بررسی آثار باستانی استان، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان، ۱۳۸۷).

از سال ۱۳۲۴ هجری شمسی بویراحمد از کهگیلویه مجزا و ضمیمه استان فارس گردید. در دهه ۱۳۳۰ در قلمرو ایل بابویی شهر دو گنبدان شکل گرفت. در پانزدهم آبان ماه ۱۳۳۸ کهگیلویه نیز از بهبهان جدا شد و شهرستان کهگیلویه با مرکزیت دهدشت تشکیل شد. اما همچنان جزء استان خوزستان بود. سرانجام در سال ۱۳۴۲ فرمانداری کل کهگیلویه و بویراحمد به مرکزیت شهر یاسوج تأسیس شد و به واسطه قلمرو ایل بویراحمد و ملاحظات سیاسی در اسفند ماه سال ۱۳۵۵ هجری شمسی با همان محدوده جغرافیایی به استان تبدیل شد (بختیاری، ۱۳۹۲).

۵. تحلیل و بررسی بقاع متبرکه استان کهگیلویه و بویراحمد

از مجموع ۳۶۲ بقعه شناسایی شده در استان کهگیلویه و بویراحمد، تعداد ۹۱ آرامگاه متعلق به امامزادگان دارای شجره‌نامه‌های معتبر و مستند است. از این امامزادگان دارای شجره‌نامه‌های مستند، تعداد ۲۵ بقعه، امامزادگانی است که اولاد و اعقاب زیادی در داخل و خارج کشور دارند. تعداد ۲۱۲ بقعه مربوط به امامزادگانی است که در متون و منابع تاریخی مطلبی از آن‌ها ذکر نشده است، اما مورد احترام و مراجعه عموم هستند. و تعداد ۶۷ بقعه نیز به صورت قدمگاه و مقامگاه شناسایی شده است که از قدیم الایام محلیان در گفتار بومی خود این مکان‌ها را «قدمگاه» و مقامگاه می‌خوانده‌اند ولی فاقد سند متقن و معتبر می‌باشند (موسوی، ۱۳۸۴).

۵-۱. بقاع متبرکه شهرستان بویراحمد

شهرستان بویراحمد که مرکز آن شهر یاسوج است، بزرگ‌ترین شهرستان استان از لحاظ جمعیت می‌باشد. این شهرستان از شمال به سمیرم، از شرق به اقلید، از جنوب به اردکان فارس و شهرستان ممسنی و از غرب به شهرستان کهگیلویه محدود می‌شود. این شهرستان در ناحیه سردسیری و در کنار کوه بلند دنا با مساحتی بیش‌تر از ۳۶۸۱ کیلومتر مربع و با جمعیتی بالغ بر ۲۴۳۷۷۱ نفر دارای ۴ شهر و ۵ بخش و ۸ دهستان و ۵۵۰ روستای دارای سکنه و با ارتفاع ۲۲۰۰ متر از سطح دریا، تقریباً ۴۲ درصد از خاک استان را شامل می‌شود (سالنامه آماری استان، ۱۳۹۱).

دمای آن در سردترین فصل به منفی ۱۰ درجه و در گرم‌ترین فصل بالغ بر ۳۶ درجه بالای صفر می‌رسد. مرکز شهرستان بویراحمد شهر یاسوج است که شهری نوپا و خوش ترکیب است. اولین سنگ بنای شهر یاسوج در سال ۱۳۴۴ بنا شده است. قبل از احداث شهر یاسوج شهر قدیمی «تل خسرو» در شش کیلومتری آن، زمانی مرکز بلاد «بازرنگان» بوده که هم اکنون جز تپه‌ای خاک، از آن اثری باقی نمانده است. ساختمان و منازل مسکونی این شهرک در سال (۱۳۰۹ ه. ش) توسط حکومت پهلوی اول بازسازی گردید در سال ۱۳۲۱ ه. ش مجدداً توسط تفنگداران بویراحمدی ویران و خالی از سکنه گردید (احمدی، ۱۳۶۱: ۵۴).

این شهرستان دارای ۴۶ بقعه و اماکن تاریخی مذهبی است که از این تعداد ۸ بقعه شامل امام-زاده‌های مورد توجه مردم و دارای شجره‌نامه و مستندات تاریخی است. تعداد ۳۲ بقعه مربوط به بقاعی که به شکل مقبره‌ها و آرامگاه منتسب به علوی‌ها، انصار، پیر، شیخ و ... می‌باشند. در این شهرستان تعداد ۶ بقعه هم به صورت قدمگاه در بین مردم معروف است.

۲-۵. شهرستان بهمنی

شهرستان بهمنی به مرکزیت شهر لیکک در ۲۵ کیلومتری شمال شهر بهبهان (از توابع استان خوزستان) قرار دارد. شهر بهمنی از شمال به کوه‌های غارون و منطقه کیزوک دهرز ایذه، از جنوب به شهرستان بهبهان، از مغرب به شهرستان رامهرمز و از شرق به شهرستان لنده محدود است. این شهرستان در ناحیه گرمسیری با مساحتی بیش‌تر از ۱۴۴۷ کیلومتر مربع و با جمعیتی بالغ بر ۴۶۰۰۳ نفر شامل ۲ بخش مرکزی به مرکزیت لیکک و بهمنی گرمسیری شمال به مرکزیت سراسیاب، دارای ۴ دهستان و بیش‌تر از ۱۷۲ آبادی است که در سال ۱۳۸۳ ه. ش از شهرستان کهگیلویه جدا و به صورت یک شهرستان مستقل در آمده است (سالنامه آماری، ۱۳۹۱).

این شهرستان دارای ۲۲ بقعه و امکان تاریخی مذهبی است که از این بقاع، تعداد ۵ بقعه مربوط به امامزادگان عظام که دارای شجره‌نامه و اسناد معتبر هستند. تعداد ۱۳ بقعه مربوط به اماکنی شامل مقابر و آرامگاه‌های سادات علوی، انصار، پیر، شیخ و ... می‌باشد که به‌خاطر احترام و توجه مردم در فهرست اماکن مذهبی و تاریخی آمده است. تعداد ۳ قدمگاه یا مقامگاه نیز در فهرست بقاع این شهرستان ذکر شده است.

۳-۵. شهرستان دنا

شهرستان دنا به مرکزیت شهر سی سخت در ۳۵ کیلومتری یاسوج (مرکز استان) قرار دارد. شهر سی سخت در دامنه‌ی کوه دنا که نزدیک به ۷۴ قله بالای ۴ هزار متر دارد در مجاور گردنه

تاریخی بیژن (بیجن) واقع شده است. شهرستان دنا در گذشته بخشی از شهرستان بویراحمد محسوب می‌شد که در نیمه دوم سال ۱۳۸۰ ه. ش از این شهرستان جدا و به صورت شهرستانی مستقل درآمده است (سالنامه آماری استان، ۱۳۹۱). این شهرستان در ناحیه سردسیری و با مساحتی بیش‌تر از ۱۸۲۱ کیلومتر مربع و با جمعیتی بالغ بر ۵۸۳۴۹ نفر دارای ۳ بخش و ۶ دهستان و ۲۲۲ روستا می‌باشد. ارتفاع این شهرستان از سطح دریا ۲۲۰۰ متر می‌باشد (سازمان برنامه و بودجه استان، ۱۳۹۱).

این شهرستان دارای ۲۴ بقعه و امکان تاریخی مذهبی است که تعداد ۷ بقعه شامل امامزادگان عظام که دارای اسناد و شجره‌نامه معتبر هستند. تعداد ۱۴ بقعه مربوط به بقاع متبرکه شامل مراقد و آرامگاه‌های سادات علوی، انصار، پیر، شیخ و ... می‌باشد. تعداد ۳ بقعه نیز به صورت قدمگاه در این شهرستان واقع شده است.

۴-۵. شهرستان کهگیلویه :

این شهرستان در امتداد کوه‌های زاگرس از شمال به کیزوک دهرز ایذه و بروجن، از شمال غربی به شهرستان‌های فارس، از جنوب به گچساران، از مشرق به یاسوج و از مغرب به رامهرمز محدود می‌شود. وسعت این شهرستان حدود ۴۶۳۲ کیلومتر مربع است و جمعیت آن بالغ ۱۳۲/۵۰۰ نفر می‌باشد که شامل ۴ بخش و ۱۲ دهستان و بیش‌تر از ۷۰۰ روستا و ۴ شهر می‌باشد (سالنامه آماری استان، ۱۳۹۱).

شهر باستانی و پر رونق دهدشت که هم اکنون بنای جدید آن مرکز شهرستان کهگیلویه است، مرکز بلاد شاپور بوده که حدود ۵ فرسنگ وسعت داشته و دارای ۱۴ قریه بوده است و در هنگام آبادانی ۲۰۰۰ خانه مسکونی داشته که از سنگ و گچ و ساروج ساخته شده بود (فسایی، ۱۳۱۱: ۲۷۴).

شهر قدیم دهدشت علاوه بر آن دارای چندین امامزاده عالی مقام، مسجد، مسجد جامع، حمام- های بزرگ و کوچک، بازار، مدرسه علمیه و کاروانسراهای بزرگ بوده است. شهر دهدشت در بین سال‌های ۹۹۵-۹۸۵ ه. ق در دوره سلطنت شاه محمد خدابنده، مقر سلاطین صفوی بوده و اداره حکومت آن تا اواخر قرن دهم هجری در دست افشارها متمرکز بوده اما در سال ۱۰۳۸ ه. ق قدرت از طایفه افشار سلب و تحت حکومت مرکزی اداره گردید (بیات، ۱۳۹۳: ۴۴۸).

این شهرستان دارای ۸۴ بقعه و بنای تاریخی مذهبی است که از این تعداد ۲۶ بقعه تاریخی شامل بنای امامزادگان عظام و دارای شجره‌نامه و مستندات تاریخی است. ۴۷ بقعه از بقاع این شهرستان نیز مربوط به مقبره سادات، علوی‌ها، قطب‌های صوفی، مشایخ و ... می‌باشد که مورد احترام و تکریم مردم بومی منطقه است. تعداد ۱۱ بقعه نیز به صورت قدمگاه و یا مقامگاه در این شهرستان شناسایی شده است.

۵-۵. شهرستان لنده

شهرستان لنده به مرکزیت شهر لنده در سال ۱۳۹۰ از شهرستان کهگیلویه مجزا و مستقلاً تحت عنوان شهرستان لنده نامیده می‌شود. شهر لنده در دامنه کوه سفید در ۳۵ کیلومتری شهر دهدشت و ارتفاع ۶۵۰ متر از سطح دریا با جمعیتی بالغ بر ۳۹ هزار نفر و وسعت حدود ۸۵۰ کیلومتر مربع واقع شده است. این شهر قدمتی دیرینه نیز دارد هنوز آثاری از عمارت‌های طاق جناغی دوران صفویه در گوشه و کنار آن مشهود است (سالنامه آماری استان، ۱۳۹۱).

این شهرستان دارای ۱۸ بقعه و بنای تاریخی مذهبی است که ۳ بقعه مربوط به امامزادگان عظام دارای شجره‌نامه و مستندات تاریخی است، تعداد ۱۱ بقعه مربوط به مقبره و آرامگاه سادات، علوی‌ها، شیخ، انصار و ... می‌باشد که مورد احترام و اعتقاد مردم بومی منطقه است. تعداد ۴ بقعه نیز به صورت قدمگاه و یا مقامگاه در این شهرستان شناسایی گردیده است.

۵-۶. شهرستان چرام

شهرستان چرام به مرکزیت شهر چرام در سال ۱۳۹۰ از شهرستان کهگیلویه جدا و به صورت شهرستانی مستقل به نام شهرستان چرام در آمده است. این شهرستان از شمال به کوه سپاه، از جنوب به منطقه دره برم مرغابی و روستای دم دره، از مشرق به انتهای کوه آرنه بناری و از غرب به روستای بله دون و القچین و جاده چرام - دهدشت محدود می‌باشد (همان، ۸۴). منطقه چرام به دو قسمت سردسیری با وسعت ۵۴۹ کیلومتر مربع و گرمسیری با وسعت ۲۶۲ کیلومتر مربع تقسیم شده است. این شهر از قدمت دیرینه‌ای برخوردار است و بنا به متون کهن تاریخی به نام «صرام» در مجاور شهر باستانی «بازرنگ» واقع شده است که به منطقه بلاد شاپور تعلق داشته است.

شهرستان چرام دارای ۳۲ بقعه و امکان تاریخی مذهبی است که از این تعداد ۱۲ بقعه مربوط به امامزادگان عظام که دارای شجره‌نامه و مستندات تاریخی هستند، تعداد ۱۵ بقعه تاریخی مذهبی مربوط به مقبره سادات علوی، مشایخ، بزرگان، اهل تصوف و ... می‌باشد که مورد احترام مردم و اعتقاد مردم محلی است. تعداد ۵ بقعه نیز به صورت قدمگاه شناسایی و در این شهرستان وجود دارد.

۵-۷. شهرستان باشت

شهرستان باشت به مرکزیت شهر باشت در سال ۱۳۹۱ از شهرستان گچساران جدا و به عنوان شهرستان باشت در تقسیمات جدید کشوری لحاظ گردید. این شهرستان از شمال به شهرستان رستم از توابع استان فارس، از شرق به شهرستان چرام، از غرب به شهرستان گچساران و از جنوب به کوه خامی محدود می‌شود. جمعیت این شهرستان بر اساس آخرین آمار ۳۰۰۰۰ نفر و مساحت

۷۰۰ کیلومتر مربع می‌باشد (سالنامه آماری استان، ۱۳۹۲). شهر باشت در گذشته به «مال امیر شول» معروف بوده و در حدود سال ۱۱۳۵ ه. ق محل سکونت خاندان عرب‌نژاد در ایل بابوئی بوده است (فسایی، ۱۳۱۱: ۲۹۴).

در شهرستان باشت در حدود ۴۰ بقعه و بنای تاریخی مذهبی وجود دارد که از این تعداد، ۱۱ بقعه مربوط به امام‌زادگان عظام دارای شجره‌نامه و مستندات تاریخی است. تعداد ۲۱ بقعه هم مربوط مقبره و آرامگاه‌های سادات، علوی‌ها، مشایخ، انصار و ... که مورد احترام مردم بومی هستند و نیز تعداد ۸ بقعه به صورت مقامگاه یا قدمگاه در این شهرستان شناسایی شده است.

۵-۸. شهرستان گچساران

شهرستان گچساران در جنوب غربی استان کهگیلویه و بویراحمد واقع شده است. مرکز این شهرستان، شهر دوگنبدان می‌باشد. این شهرستان در جنوب باختری استان کهگیلویه و بویراحمد واقع گردیده و ۴۶۸۳ کیلومتر مربع مساحت دارد و در ارتفاع ۷۲۰ متری از سطح دریا بامساحتی بالغ بر ۱۸ کیلومتر مربع و در ۱۵۰ کیلومتری یاسوج قرار گرفته است (سالنامه آماری استان، ۱۳۹۲). شهرستان گچساران از شمال و شرق به شهرستان کهگیلویه، چرام، باشت، از جنوب به شهرستان گناوه (استان بوشهر) از شرق و جنوب شرقی به شهرستان رستم (فارس) و از غرب به شهرستان بهبهان (خوزستان) محدود می‌باشد. زبان مردم گچساران لری، فارسی و ترکی (قشقایی) است و دارای چهار دهستان امام زاده جعفر، لیشر، بویراحمد گرمسیری و بی بی حکیمه می‌باشد.

در شهرستان گچساران در حدود ۹۷ بقعه و بنای تاریخی-مذهبی وجود دارد که از این تعداد، ۱۹ بقعه مربوط به امام‌زادگان عظام دارای شجره‌نامه و مستندات تاریخی است. تعداد ۵۹ بقعه هم مربوط به مقبره و آرامگاه‌های سادات، علوی‌ها، مشایخ، انصار و ... می‌باشد. تعداد ۱۹ بقعه نیز به صورت مقامگاه یا قدمگاه در این شهرستان شناسایی شده است.

در یک تقسیم‌بندی می‌توان بناهای تاریخی مذهبی و بقاع متبرکه استان را به دو دسته تقسیم کنیم:

۱. بقاع متبرکه‌ای که بنای آن‌ها قدیمی بوده و دارای قدمت تاریخی می‌باشند.
۲. بقاع متبرکه‌ای در سال‌های اخیر تخریب و بازسازی شده‌اند.

الف) از میان بقاع استان که در این مقاله مورد بررسی قرارگرفتند، تعداد ۳۲ بنا را می‌توان به دوره‌های مختلف تاریخی متعلق دانست. که هنوز بنای قدیمی آن‌ها باقی‌مانده و مستلزم حفظ و نگهداری توسط مسئولین زیربط می‌باشد.

از میان بقاع استان، بنای امامزادگانی که در بافت شهر قدیم دهدشت وجود دارند، به لحاظ تاریخی دارای ارزش ویژه‌ای هستند؛ به جهت آن که تمامی بناهای این بافت قدیمی در کنار و هم یک شهر قدیمی متعلق به دوره صفویه به نام هفت گنبد را تشکیل می‌داده‌اند که دارای حوزه علمیه، حمام‌های بزرگ، مساجد، مسجد جامع، بازار، عدلیه و ... می‌باشد و هنوز آثار برخی از این بناها در این بافت وجود دارد و اداره‌ی میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری شهرستان کهگیلویه از آن حفاظت می‌نماید.

ب) از میان بقاع استان، تعداد ۶۳ بقعه با همکاری مردم، هیئت امناء و اداره اوقاف و امور خیریه استان کهگیلویه و بویراحمد نوسازی شده‌اند.

۶. نتیجه گیری

در این مقاله با استفاده از روش کتابخانه‌ای و هم‌چنین مشاهدات عینی و میدانی و بررسی اسناد و تصاویر و مراجعه به آرشیو مؤسسات علمی و فرهنگی به بررسی بقاع متبرکه استان کهگیلویه و بویراحمد پرداخته شده است.

از مجموع ۳۶۲ بقعه‌ی شناسایی شده در استان، تعداد ۹۱ آرامگاه متعلق به امامزادگان دارای شجره‌نامه‌های معتبر و مستند است. تعداد ۲۱۲ بقعه مربوط به امامزادگانی است که در متون و منابع تاریخی مطلبی از آن‌ها ذکر نشده است، اما مورد احترام و مراجعه‌ی عموم هستند. و تعداد ۶۷ بقعه نیز به صورت قدمگاه و مقامگاه شناسایی شده است. برآیند پژوهش‌های مبنایی این مقاله نشان می‌دهد که استان در مسیر مهاجرت امام زادگان به ایران قرار داشته است و دو سوم بناهای آرامگاهی، به امامزاده گان تعلق دارند. در نواحی مختلف این استان بقاع متعددی وجود دارد که بنای برخی از آن‌ها ساده، گلین و با معماری روستایی و بدون تزئینات و تنها یک اتاق با دو الی سه مدخل است. بعضی از این بقاع دو یا چند سنگ کوچک یا بزرگ است که بر روی تپه‌ای و یا در حواشی دره‌ای و یا در کنار درختی به صورت چینه‌ای نشانه‌بندی و مشخص شده است. بر اساس مشاهدات میدانی، تعدادی از اولاد و معتقدان به این امامزادگان در کنار بقاع آنان سکنی گزیده‌اند و تشکیل یک شهر و یا روستا داده‌اند. در استان تعداد قابل ملاحظه‌ای روستا وجود دارد که به نام همین بقعه‌ها نام‌گذاری شده است.

براساس سرشماری سال ۱۳۵۵ هجری شمسی تعداد کل بقاع استان ۱۳۹ بقعه برآورد شده بود. براساس آمار اداره اوقاف و امور خیریه استان در سال ۱۳۸۳ ه.ش تعداد ۳۰۴ بقعه متبرکه در استان شناسایی شد. بنابر آخرین پژوهشی که درباره‌ی امامزادگان در استان در کتاب ستارگان پراکنده اسلام زمین آمده است، تعداد کل بقاع تاریخی مذهبی استان ۳۶۲ بقعه است. که از این تعداد ۴۵ بقعه مربوط به شهرستان بویراحمد، ۲۳ بقعه مربوط به شهرستان دنا، تعداد ۱۳۵ بقعه مربوط به

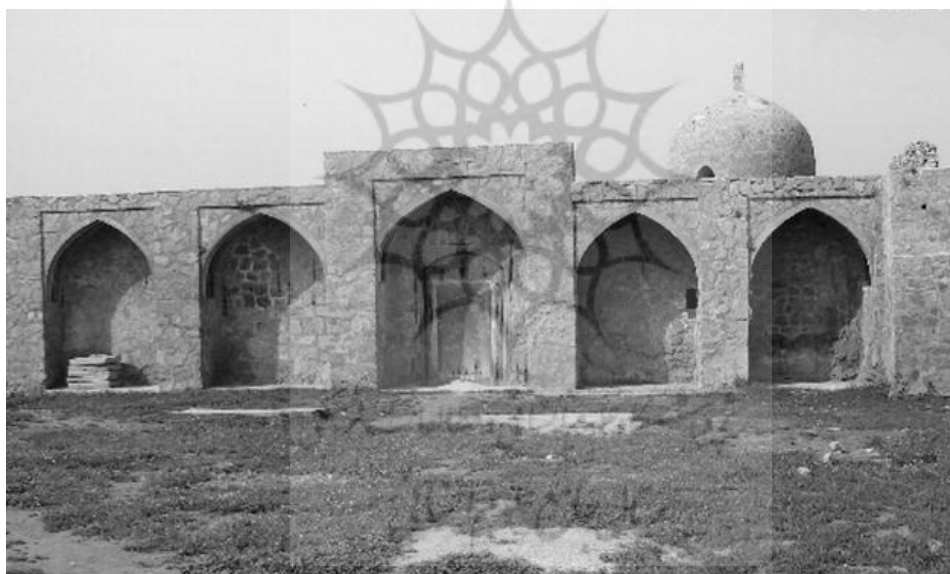
شهرستان‌های گجساران و باشت، تعداد ۱۳۱ بقعه مربوط به شهرستان‌های کهگیلویه، چرام و لنده است. تعداد ۲۲ بقعه هم در شهرستان بهمئی واقع شده است. از مجموع کل بقاع استان تعداد ۶۷ بقعه نیز شامل بناهای آرام‌گاهی از قبیل قدمگاه و مقامگاه می‌باشد.

باتوجه به اهمیت و نقش بناهای مذهبی-تاریخی در حفظ هویت اسلامی و مذهبی استان، شایسته است محققان و پژوهشگران توجه بیشتری به جنبه‌های مختلف این اماکن مذهبی و تاریخی داشته باشند. باتوجه به سابقه‌ی تاریخی استان و وجود تعداد کثیری از بناهای مذهبی-تاریخی که تحت عنوان بقاع متبرکه خوانده می‌شود، به اندازه کافی در این مورد پژوهش دانشگاهی صورت نگرفته است و تحقیق نگارنده‌ی این مقاله نیز در شرایط فقر منابع و وضعیت کوهستانی و صعب العبور بودن بیش‌تر مناطق و روستاها با تنگناهای مختلفی روبرو بوده است. از دستگاه‌های فرهنگی و علمی از جمله دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، حوزه‌های علمیه، ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی و اوقاف و امور خیریه استان انتظار می‌رود بخشی از بودجه‌ی پژوهشی و فرهنگی سالیانه‌ی خود را به تحقیق و پژوهش درباره‌ی اهمیت این بناهای تاریخی مذهبی و نقش این بقاع متبرکه در تقویت و حفظ میراث بزرگ جهان تشیع در این منطقه جغرافیایی اختصاص دهند.



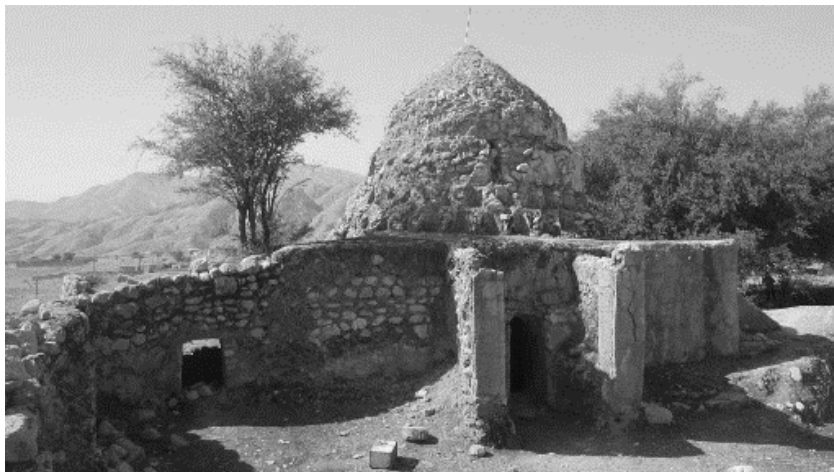


کاروانسرای تاریخی - بافت شهر قدیمی دهدهشت

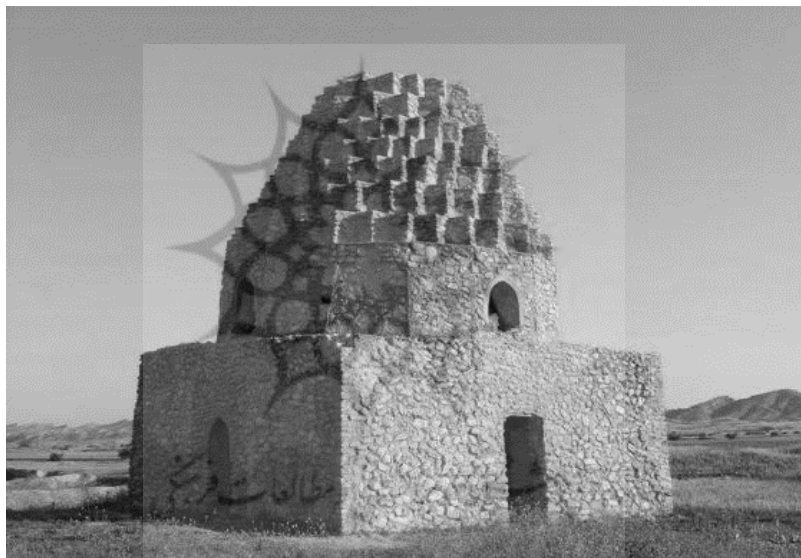


امامزاده جابر^۱: بافت قدیمی شهر دهدهشت

^۱. بقعه جابر انصار در مجاور کاروانسرا و کنار بقعه امامزاده ابراهیم شفیع الله واقع شده است. این بنا شامل حرم، ایوان، صحن و مجموعه‌ای از چند اتاق است که هسته مرکزی آن اتاقی به ابعاد ۴×۴ متر است. در وسط این اتاق یک قبر ساده دیده می‌شود که منسوب است به جابر انصار که در فراز آن گنبد خوش تناسبی با پوششی از گچ و سنگ به ارتفاع ۴ متر برپا شده است (علمداری، ۱۳۷۹). گاو به دربار این امامزاده می‌نویسد: «امامزاده‌ای است با نمازخانه که از سنگ ساخته شده و تزئینات داخلی آن هنوز مشهود است. آثار تعمیراتی را می‌توان در آنجا نیز مشاهده نمود. کمان‌های آن به وسیله‌ی گچ‌بری‌هایی مزین بوده است. نمازخانه به‌طور هماهنگ بنا گردیده و این مطلب در بناهایی مشابه دهدهشت کم‌تر به چشم می‌خورد. نیمی از مدخل ایوان خراب شده است بر بالای مدخل آن نوشته‌ای دیده می‌شود که به دوره ساختمانی بعدی متعلق است، چون این نوشته (فقط دو عدد آخر آن را می‌توان به وضوح خواند) را می‌توان چنین خواند ۵۹-۱۷۵۸/۱۱۷۳. بقعه بالای قبر ظاهراً تعمیر شده است و به



بقعه شیخ ابراهیم عباس-روستای مال شیخ، شهرستان لنده- عکس از نگارنده تاریخ ۹۵/۹/۲۸



بقعه عباس-دشت لیشتی توابع گچساران

وسيله گچ‌بری‌هایی مزین بوده است. قسمت پایین محوطه گنبد به وسیله چهار طاقچه میانی تقسیم شده است (گاویه، ۱۳۵۹: ۲۹۲). باتوجه به سبک معماری این بنا که به وضوح می‌توان آن را از قسمت قدیمی‌تر جدا کرد، قدمت بنا به دوره پایان حکومت صفویه برمی‌گردد (همان، ۱۳۹۷). جابر انصاری نیای بزرگ مشایخ انصاری است که در زمانی نامعلوم به این نواحی مهاجرت کرده و در این مکان وفات کرده است. بر اساس برخی از اطلاعات محلیان جابر انصاری از نوادگان عبدالله انصاری صحابه مشهور پیامبر صلی الله علیه و آله و به این نام شهرت یافته است (علمداری، ۱۳۷۹: ۹۵).

منابع

- آل محبوبه، جعفر شیخ باقر (۱۴۰۶). **ماضی النجف و حاضرها**. طبع ۲، بیروت: دارالاضواء.
- ابن اثیر، عزالدین علی ابی الکریم (۱۳۵۱). **الکامل**، ترجمه علی هاشمی، تهران: انتشارات کتب ایران.
- استخری، ابواسحاق ابراهیم (۱۳۶۸). **مسالک و ممالک**. به کوشش ایرج افشار، تهران: امیرکبیر
- لسترنج، گای (۱۳۳۷). **جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی**. ترجمه محمود عرفان، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- امین، حسین (۱۳۸۵). **تاریخ العراق فی العصر السلجوقی**. بغداد: مطبعه الارشاد.
- اقتداری، احمد (۱۳۵۹). **خوزستان، کوه گیلویه و ممسنی**. تهران: انتشارات انجمن ملی آثار و مفاخر فرهنگی.
- برقک، علی سینا (۱۳۸۷). «نقش سیاسی استان کهگیلویه و بویراحمد در ادوار تاریخی»، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گچساران.
- برن، رهر (۱۳۴۹). **نظام ایلات دوره صفویه**. ترجمه کیکاوس جهانداری، تهران: نشر کتاب.
- بختیاری، سعید (۱۳۹۲). **چهره ایران، راهنمای گردشگری استان‌های ایران**. تهران: انتشارات مؤسسه گیتاشناسی.
- بلعمی، ابو علی (۱۳۶۶). **تاریخ‌نامه طبری**. به تصحیح محمد روشن، تهران: نشر البرز.
- بیات، عزیزالله (۱۳۹۳). **کلیات جغرافیای طبیعی و تاریخی ایران**. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- پیرنیا، حسن (۱۳۸۱). **تاریخ ایران باستان**. تهران: مؤسسه انتشارات نگاه.
- بیات، عزیز الله (۱۳۷۰). **تاریخ ایران از ظهور اسلام تا دیالمه**. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- ترکمنی آذر، پروین (۱۳۹۰). **تاریخ سیاسی شیعیان اثنی عشری در ایران**. قم: شیعه شناسی.
- جعفریان، رسول (۱۳۶۸). **تاریخ تشیع در ایران: از آغاز تا قرن هفتم هجری**. تهران: انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.
- حیبی فهلیانی، حسن (۱۳۷۱). **ممسنی در گذرگاه تاریخ**. شیراز: انتشارات نوید شیراز.
- حسینی، محمد میرک (۱۳۸۵). **ریاض الفردوس خانی**. به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- حسینی فسایی، میرزا حسن (۱۳۱۱). **فارسنامه ناصری**. تهران: انتشارات سنایی.
- دینوری، ابوحنیفه (۱۳۸۶). **اخبار الطوال**. ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشرنی.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۱). **آشنایی با تاریخ ایران**. تهران: انتشارات نشر سخن.
- زنگنه، ابراهیم (۱۳۷۳). «گزارش و خبر/ مزارات ایران»، **مجله مشکوه**، شماره ۴۳: ۱۹۶-۱۸۰.
- سجادی، علی (۱۳۹۱). «بررسی تطبیقی بناهای آرامگاهی دوره ایلخانی و صفوی استان خوزستان با مناطق همجوار»، **رساله دوره دکتری**، دانشگاه تربیت مدرس.
- موسوی‌نژاد، سید علی (۱۳۸۵). **ستارگان پراکنده اسلام زمین**. قم: انتشارات کومه.
- صفی‌نژاد، جواد (۱۳۶۸). **عشایر مرکزی ایران**. تهران: انتشارات امیرکبیر.

- طبری، محمدبن جریر (۱۳۸۵). **تاریخ طبری**. ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات اساطیر.
- علمداری، کوروش (۱۳۷۹). «شهر قدیم دهمش» **پایان نامه کارشناسی ارشد**.
- غروی، مهدی (۱۳۷۶). **آرامگاه‌ها در گستره فرهنگ ایرانی**. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- غفاری، یعقوب (۱۳۷۸). **تاریخ اجتماعی کوه گیلویه و بویراحمد**. اصفهان: انتشارات گلها.
- گاوبه، هانس (۱۳۷۷). **ارجان و کوه گیلویه از فتح عرب تا پایان دوره صفویه**. تهران: انتشارات انجمن ملی آثار و مفاخر فرهنگی.
- مجیدی کرائی، نورمحمد (۱۳۷۱). **تاریخ و جغرافیای کهگیلویه و بویراحمد**. تهران: انتشارات علمی.
- مفید(شیخ مفید)، محمدبن نعمان (۱۴۱۳). **الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد**. قم: انتشارات بصیرتی.
- مسعودی، علی بن الحسین (۱۳۴۴). **مروج الذهب و معادن الجواهر**. ترجمه پاینده، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب
- نیستانی، جواد (۱۳۸۳). **پژوهشی در بناهای آرامگاهی مازندران در قرن ۹ هجری**. تهران: بی‌نا
- هینتس، والتر (۱۳۸۳). **دنیای گمشده ایلام**. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- هیلن براند، روبرت (۱۳۸۷). **معماری اسلامی**. ترجمه باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، تهران: انتشارات روزنه.